

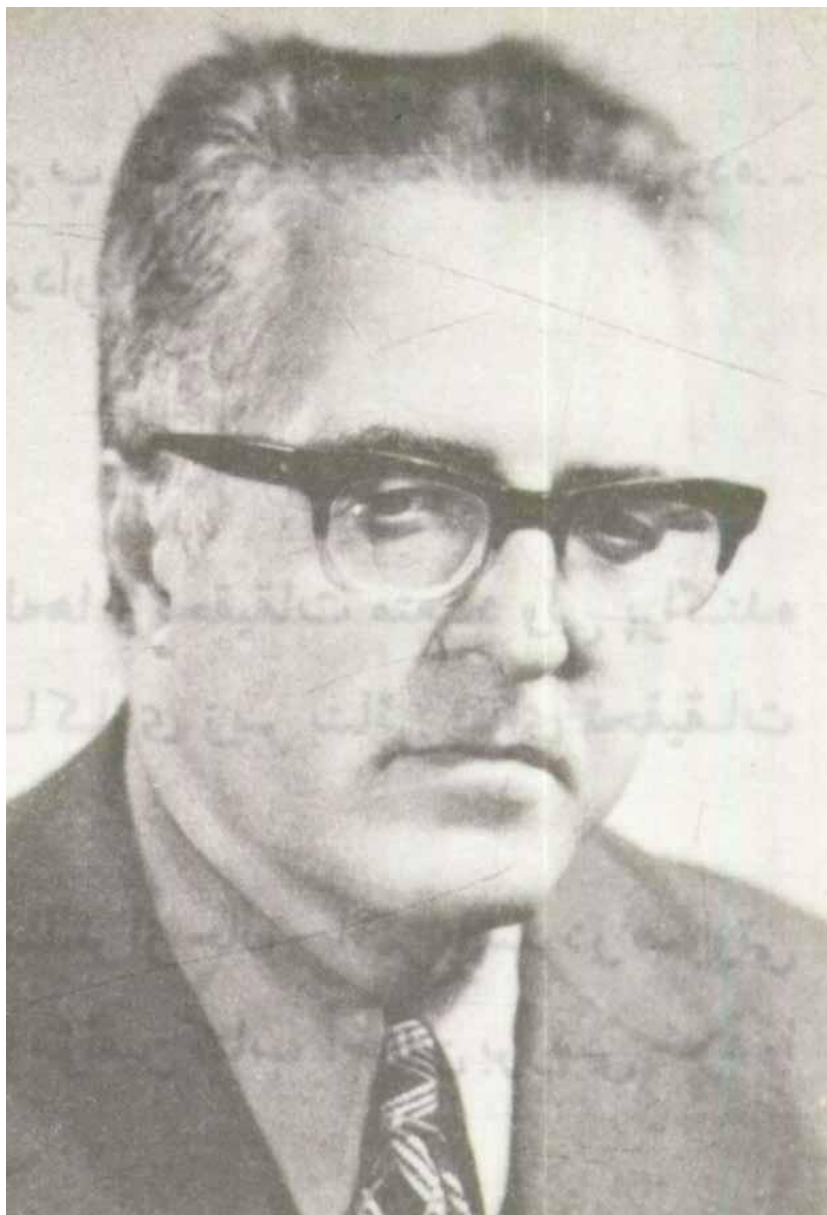
A short biography on Abbas Zaryab Khoi and a translation of a short article from him on the Persian poet Nezami Ganjavi.

(A response by the late Professor Abbas Zaryab Khoi to the Magazine "Azerbaijan" (published by Ferqeyeh Democract))

چهره‌ی شادروان عباس زریاب خویی (خدا بیامرزد)

To cite: Abbas Zaryab Khoi, "Nezami Ganjavi Tork Nabodeh Ast" (Nezami Ganjavi was not Turkish) in Ayandeh Magazine, Esfand Maah (February-March), 1324 (1945), pages 780-781. (Iran)

Original Persian with Translation at: <http://www.archive.org/details/NezamiWasNotTurkish>



A picture of the late Professor Abbas Zaryab Khoi

In this article, we bring the original Persian along with translation of an article “Nezami Ganjavi was not a Turk” by the late Professor. Abbas Zaryab Khoi.

A short biography is due. Professor. Abbas Zaryab Khoi was a distinguished translator, historian, Iranologist and literature professor. He has many articles on all of these fields. He was born in Khoi in Western Azerbaijan and besides his

native Azeri-Turkic dialect, he knew Persian, Arabic, German, French, English and Italian. He became distinguished amongst his fellow students at an early age and was given a full scholarship to Germany where he completed his Ph.D. Among the distinguished rank he held, was the head of the library of congress in Iran and the head of the literature department in Tehran university. At the invitation of the eminent Iranologist Walter Bruno Henning, he taught Persian language and literature in Berkeley University between 1962-1964. But he came back to Iran, due to his love for his homeland and took a position in Tehran university. He passed away in 1995.

Even among modern Iranian scholars, he stands out as Professor William Chittick notes (William C. Chittick, "The Goal of Islamic philosophy: Reflection of the Works of Afdal al-Din Kashani" in the Journal of Sacred Web [\[1\]](#). pg 19: "The distinguished Iranian Historian, Abbas Zaryab)

Some of his articles in European languages include:

- 'A. Zaryāb, ĀĠĀJĪ BOĶĀRĪ in Encyclopædia Iranica
- 'A. Zaryab ĀĠĀJĪ, in Encyclopædia Iranica
- 'A. Zaryab BOKAYR B. MĀHĀN in Encyclopædia Iranica
- Charles Melville and 'A. Zaryab, Chobanids in Encyclopædia Iranica
- 'A. Zaryab EDUCATION v. THE MADRASA IN SHI'ITE PERSIA in Encyclopædia Iranica
- 'A. Zaryab IRAQ ii - iii. FROM THE MONGOLS TO THE SAFAVIDS in Encyclopædia Iranica
- A. Zaryāb Ẳo'ī, "Ebn-e Rāvandī" in DMBE III, pp. 531-39
- 'A. Zaryab, Der Bericht über die Nachfolger Timurs aus dem Ta' rīḥ-i kabīr des Ġa'farī ibn Muḥammad al-Ḥusainī, Ph.D. thesis, Mainz, 1960.
- 'A. Zaryab "Ein Wiederaufgefundnes Werk Abu Hayyan al-Tanhidīs", A Lpccust's Leg, London 1962, pp. 246–250.

- 'A. Zaryab, "Struggle of the religious sects in the Ilkhanid Court" in: La Parisa Net Mediaeva[ANL Rome, quadreno 160(1971)], pp 465-466,
- 'A. Zaryab, . Fakhr Razi und die Frage des Seins. Spektrum Iran. Bonn. 1988 1/3:14-24.

Some works leading to his research:

<http://www.google.com/search?q=abbas+zaryab&hl=en&tbo=1&tbs=bks:1&ei=GtGUTLOwEYKB8gaukqGNDA&start=0&sa=N>

As well some authors in Encyclopædia Iranica who have cited him (not an exhaustive list):

Franklin Lewis, Charles Melville, G. Michael Wickens, Juan Cole, Kamran Ekbar, Lutz Richter-Bernburg, Josef van Ess, H.R. Roemer, and etc.

Some of his books, articles and Encyclopedic entries in Persian:

الف) کتابها(تألیف و تصحیح)

اطلس تاریخی ایران، زیر نظر سید حسین نصر، احمد مستوفی و عباس زریاب، تهران 1350ش.

تاریخ ساسانیان، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد، 1354ش(این کتاب در بزم-آوردی دیگر، ص23-112 تجدید چاپ شده است).

آئینه جام، شرح مشکلات دیوان حافظ، تهران، انتشارات علمی، 1368ش.

بزم آورد، شصت مقاله درباره تاریخ، فرهنگ و فلسفه، تهران، انتشارات علمی، 1368ش.

سیره رسول الله (ص)، بخش اول: از آغاز تا هجرت، تهران، انتشارات سروش، 1370ش(کتاب برگزیده سال).

کتاب الصیدنه فی الطب، نوشته ابوریحان بیرونی، تصحیح و تحشیه و مقدمه عباس زریاب، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1370ش.

روضه الصفا، نوشته محمد بن خاوندشاه بلخی، تهذیب و تلخیص دکتر عباس زریاب، 2 مجلد، تهران، انتشارات علمی، 1373ش.

اطلس تاریخ اسلام، حسین مونس، ترجمه فارسی به قلم گروه مترجمان زیر نظر آذرتاش آذرنوش، بازخوانی و ویرایش: عباس زریاب، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، 1385

گفت و گو با دکتر عباس زریاب خوئی (تاریخ، نظریه تاریخ، تاریخ-نگاری)، به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، 1381.

بزم-آوردی دیگر: برگزیده مقالات دکتر عباس زریاب در مجله-ها و مجموعه-ها، به کوشش سیدصادق سجادی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، 1386.

شط شیرین پرشوکت: منتخبی از آثار استاد عباس زریاب خوئی، به کوشش میلاد عظیمی، تهران، مروارید، 1387.

ب) کتابها (ترجمه-)

تاریخ فلسفه، ویل دورانت [انگلیسی]، تهران، 1335 ش، چاپ دوازدهم، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، تهران (1374) ش.

لذات فلسفه، ویل دورانت [انگلیسی]، تهران، 1344، چاپ نهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1374 ش.

تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، تئودور نولدکه [آلمانی]، تهران، انجمن آثار ملی، 1358 ش.

دریای جان، هلموت ریتز [ترجمه از آلمانی]، با همکاری مهرآفاق بایبردی، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، 1374 ش، ج 1.

ظهور تاریخ بنیادی، فریدریش ماینکه [آلمانی]. (این ترجمه در فهرست آثار دکتر زریاب آمده، ولی از آن اطلاعی در دست نیست).

ج) مقالات

دکتر زریاب در مجموع حدود 90 مقاله و نقد کتاب (84 مقاله تألیف و 6 مقاله ترجمه) به فارسی در مجله-ها و مجموعه-ها ؛ 2 مقاله به زبانهای خارجی (یکی به آلمانی و یکی به انگلیسی) در مجله-های خارجی ؛ 3 مقاله در دانشنامه ایران و اسلام ؛ 79 مقاله در دایره المعارف فارسی صاحب ؛ 19 مقاله در دایره المعارف تشیع ؛ 45 مقاله (34 مقاله تألیف و 11 مقاله ترجمه از انگلیسی و فرانسه) در دانشنامه جهان اسلام ؛ 18 مقاله در دایره المعارف بزرگ اسلامی و 2 مقاله در دانشنامه ایرانیکا (به انگلیسی) نوشته و منتشر کرده است (برای فهرست کاملی از مقاله-های دکتر زریاب، نک: رضازاده لنگرودی، ص 9-13؛ کیوانی، ص 16-26). از میان مقاله-های او 60 مقاله (عمدتاً مقاله-های دانشنامه-ای) در کتاب بزم-آورد و 23 مقاله غیر دانشنامه-ای و چند مصاحبه و برخی مطالب گوناگون در کتاب بزم-آوردی دیگر و برخی از آثار دیگر او در کتاب شط شیرین پرشوکت به چاپ رسیده است. الف) مقالات در مجله-ها و مجموعه-ها:

- «صاحب بن عباد در نظر يك مخالف»، یغما، سال 1، ش 3 (خرداد 1327 ش)، ص 120-124.

- «کتابخانه مجلس شورای ملی»، دانش، سال 1، ش 1 (فروردین 1328 ش)، ص 25-27؛ ش 2، ص 92-93، ش 3، ص 132-135.
- «قصیده ای از ابن سینا»، یغما، سال 3، ش 4 (تیر 1329 ش)، ص 182-186.
- «یک مناظره درباره احکام نجومی»، مهر، سال 8، ش 6 (شهریور 1331 ش)، ص 345-347.
- «اسرار التوحید فی مقامات ابن سعید»، فرهنگ ایران زمین، سال 1، 1322 ش، ص 287-290.
- «در استماع گمان»، مهر، سال 9، ش 3 (تیر 1332 ش)، ص 126-128.
- «کتاب جامع الحکمتین»، سخن، سال 4، ش 8 (تیر 1332 ش)، ص 671-674.
- «رساله در حقیقت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات»، سخن، سال 4، ش 1 (مهر 1332 ش)، ص 833-835.
- «مخارج الحروف»، سخن، سال 5، ش (تیر 1333 ش)، ص 480-481.
- «تاریخ ادبیات در ایران»، سخن، سال 5، ش 7 (مرداد 1333 ش)، ص 566-567.
- «تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمه الفرق بین الفرق»، سخن، سال 5، ش 8 (شهریور 1333 ش)، ص 647-648.
- «داستان کشته شدن مجدالدین بغدادی»، یغما، سال 7، ش 12 (اسفند 1333 ش)، ص 544-548.
- «کتاب تاریخ افرنج از جامع التواریخ»، سخن، سال 6، ش 1 (اسفند 1333 ش)، ص 89-99.
- «مثنوی تحفة العراقین»، سخن، سال 6، ش 4 (خرداد 1334 ش)، ص 368-370.
- «مقدمه تحفة الخواطر و زبدة النواطر یا تحفة العراقین»، سخن، سال 6، ش 5 (تیر 1334 ش)، ص 464-466.
- «قندیه»، سخن، سال 6، ش 8 (مهر 1334 ش)، ص 750-751.
- «دیوان عبدالواسع جبلی»، سخن، سال 11، ش 5 (شهریور 1337 ش)، ص 608-609.
- «کتاب السموم و دفع مضارها»، راهنمای کتاب، سال 1، ش 4 (زمستان 1337 ش)، ص 466-470.
- «اخلاق محتشمی»، سخن، سال 11، ش 7 (آبان 1339 ش)، ص 852-853.
- «دیوان شاه اسماعیل خطایی»، راهنمای کتاب، سال 3، ش 5 (دی 1339 ش)، ص 668-669.

- «رساله سه اصل»، راهنمای کتاب، سال 4، ش 10 (دی 1340 ش)، ص 935-936.
- «غرر الحکم و دررالکلم»، راهنمای کتاب، سال 5، ش 1 (فروردین 1341 ش)، ص 59-61.
- «انتقال علوم یونانی به علم اسلامی»، راهنمای کتاب، سال 7، ش 2 (زمستان 1343 ش)، ص 359-360.
- «تفسیر قرآن پاک»، یغما، سال 19، ش 2 (اردیبهشت 1345 ش)، ص 57-63.
- «اهمیت دوره ساسانیان در تاریخ ایران، و اهمیت منابع یونانی و سریانی برای این دوره»، مجموعه سخنرانیها، ص 81-90.
- «تقی زاده آن چنانکه من شناختم»، یادنامه تقی زاده، چاپ حبیب یغمائی، تهران 1349، ص 157-177.
- «تاریخ نگاری بیهقی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش 7 (زمستان 1350)، ص 760-771.
- «چند پاسخ درباره تاریخ ایران»، فرهنگ و زندگی، ویژه فرهنگ ایران، ش 5، (شهریور 1350)، ص 110-118.
- «سه نکته درباره رشیدالدین فضل الله»، مجموعه خطابه های تحقیقی، تهران 1350، ص 123-135.
- «مورخان ایران در دوره اسلامی»، تاریخ تحول علوم در ایران، تهران 1350، ص 170-185.
- «فردوسی و طبری»، ارمغانی برای زرین کوب، تهران، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر لرستان، 1355 ش، ص 1-9. همین مقاله مجدداً در یغما سال 30، ش 2، (اردیبهشت 135 ش)، ص 65-74 و سیمرغ، ش 4، (اسفند 1355 ش)، ص 103-114، به چاپ رسیده است.
- «سوگند نامه جهان پهلوان»، آینده، سال 9، ش 8 و 9 (آبان - آذر 1362 ش)، ص 613-617.
- «دیو مسلمان نشود/دیو سلیمان نشود»، آینده، سال 10، ش 10 و 11 (دی - بهمن 1363 ش)، ص 651-654.
- «فتوحات همایون»، نوشته سیاقی نظام، با مقدمه عباس زریاب خویی، بررسیهای تاریخی، سال 8، ش 1 و 2 (1352)، ص 207، 278.
- «درباره تاریخ و تحقیقات»، تلاش، ش 5 (شهریور 1354)، ص 20-24.
- «گفتگو با استاد تاریخ»، مصاحبه توسط عاصمی، کاوه، 13 (1354)، ش 5، ص 18-22.
- «نامه های موجود از امیرکبیر»، امیرکبیر و دارالفنون، تهران (1354)، ص 164-178.

- «درباره کتاب»، کتاب و کتابخانه، تهران (1355)، ص 147-154.
- «درباره مجتبی مینوی»، سخن، سال 25، (1355)، ص 898-903.
- «مجتبی مینوی»، راهنمای کتاب، سال 20، ش 1 و 2 (فروردین - اردیبهشت 1356)، ص 118-119.
- «نام یکی از هفت خاندان بزرگ دوره پارسی و ساسانی»، مجله تاریخ، ج 1، ش 2 (بهار 1356)، ص 1-6.
- «افسانه فتح الحضر در منابع عربی و شاهنامه»، یغما، سال 30، (1356)، ص 642-653.
- «جامعیت مینوی»، پانزده گفتار درباره مجتبی مینوی، تهران (1356)، ص 55-61.
- «درباره محمدابراهیم باستانی پاریزی»، راهنمای کتاب، سال 20، (1356)، ص 933-937.
- «گفتگو با محمدتقی دانش پژوه»، راهنمای کتاب، سال 21، (1357)، ص 224-281.
- «غزالی و ابن تیمیه»، معارف، سال 1، ش 3 (آذر - اسفند 1363 ش)، ص 57-79.
- «ملاحظات درباره سلسله بادوسپانیان طبرستان»، تحقیقات اسلامی، سال 1، ش 2 و سال 2، ش 1 (1365-1366 ش) ص 79-88.
- «سازمان اداری ایران در زمان حکومت ایلخانان»، باستان شناسی و تاریخ، سال 1، ش 2 (بهار - تابستان 1366 ش)، ص 42-49؛ سال 2، ش 2 (پاییز - زمستان 1366 ش)، ص 29-39.
- «بداء در کلام اسلامی و ملاحظات تازه در حل آن»، تحقیقات اسلامی، سال 2، ش 2 (1366 ش)، ص 18-30.
- «سخنی درباره منشآت قائم مقام»، نامواره دکتر محمود افشار، چاپ ایرج افشار و کریم اصفهانیان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، 1366، ج 3، ص 1431-1455.
- «پارادوکس های نظام»، تحقیقات اسلامی، سال 3، ش 1 و 2 (1367)، ص 1-12.
- «لعبت بازی، بازی خیال، شب بازی»، کتاب سخن، چاپ صفدر تقی زاده، تهران، انتشارات علمی، (1368)، ص 7-14.
- «نکاتی درباره مقنع»، هفتاد مقاله، ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی، چاپ یحیی مهدوی و ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، (1369)، ج 1، ص 81-92.
- «مصاحبه با مجله دریچه گفتگو»، دریچه گفتگو، ش 4، (آذر 1370)، ص 24-26.

- «گفتگو با دنیای سخن»، دنیای سخن، ش 46 (دی 1370)، ص 26-32.
- «نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه»، ایران نامه، سال 10، ش 1 (زمستان 1370)، ص 14-23.
- «در سوگ امید»، باغ بی برگ، یادنامه مهدی اخوان ثالث (م.امید)، چاپ مرتضی کاخی، تهران (1370)، ص 266-270.
- «برهان» تحقیقات اسلامی، سال 7، ش 1 (1371)، ص 5-21.
- «زمینه های تاریخی و اجتماعی بعثت»، همشهری، سال اول، ش 31، (دی 1371).
- «مرد دو هزار و پانصد ساله»، کتاب سخن، چاپ صفدر تقی زاده، تهران، انتشارات علمی، (1371)، ص 7-12.
- «مصالح ایران که به میدان می آمد شعوبیه محض جلوه می کرد»، دنیای سخن، ش 5، (1371)، ص 12-13.
- «مقدمه بر دیوان آقاسی»، دیوان آقاسی، (تبریز 1371)، ص 5-8.
- «پاسخ، نظرخواهی درباره فرهنگ گذشته و نیازهای امروز»، هستی، (بهار 1372)، ص 58-59.
- «پرچمدار فرهنگ ملی ایران درگذشت»، دنیای سخن، ش 57، (آبان 1372)، ص 58-59.
- «احوال از نظر شیخ مفید»، مقالات فارسی کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم 1313، ص 209-216.
- «تاریخ نگاری در ایران»، تاریخ و فرهنگ معاصر، سال 3، ش 3 و 4 (پاییز و زمستان 1373)، ص 50-61.
- «دبیرستان»، نامه شهیدی (جشن نامه استاد دکتر جعفر شهیدی)، چاپ علی اصغر محمدخانی، تهران، طرح نو، (1374)، ص 340-345.

ب) مقالات در دایره المعارفها:

1. دایره المعارف فارسی (جلد دوم):
 - «شکاکیت»، «شلایر ماخر، فریدریش»، «ارنست دانیل»، «شیخیه»، «شیعه»، «صیه»، «صدر کثرت از وحدت»، «عادل و معقول»، «عالم»، «عرب»، «عقل»، «فارابی»، «فخر رازی»، «فرشته»، «فضیلت»، «فقه»، «فلسفه»، «فلوطين»، «فیثاغورس»، «فیشته»، «فادسیه»، «قانون»، «قانونشناسی»، «قرآن»، «قرامطه»، «قربانی»، «قریش»، «قضا و قدر»، «قیاس»، «قیامت»، «کانت، ایمانوئل»، «کرامیت»، «کرتیر»، «کردها»، «کلام»، «گاهشماری»، «گنوستیسیم»، «لادریه»، «لابشرط»، «لاضرر و لاضرار»، «لاک»، «لامتری»، «لایپ نیتز»، «لحیان»، «لعان»، «لنین»، «لوتسه»، «لوکرتیوس»، «لیله القدر»، «مابعدالطبیعه»، «ماتریالیسم دیالکتیک»، «مارب»، «ماکسیم گورکی»، «مالبرانش»، «مانویت»، «مانی»، «مبادی یقینی»

برهان»، «مثل»، «مجرد»، «محمد(ص)»، «مدرنيسم»، «مدینه»، «مذهب»، «مرايطون»، «مزدك»، «مشائي»، «معاويه»، «معتزله»، «مغول»، «مفهوم»، «مقنع»، «مقولات»، «مكه»، «ملاصدرا»، «موسي»، «موسي بن ميمون»، «مهرپرستي»، «نظام»، «نفس زكيه»، «نوافلاطوني»، «نوكانتي»، «نيچه»، «وحدت وجود»، «هگل»، «هيدگر».

2. دانشنامه ايران و اسلام:

«آذربايجان (تكملة)»، «آغاجي»، «آغاجي، ابوالحسن».

3. ايرانيكا:

4. دایرة المعارف بزرگ اسلامي:

- «آذربايجان»، «آريخان»، «آسفي»، «آق سنقربرسقي»، «آقوش اشرفي»، «آقوش افرم»، «آياس پاشا»، «آيواز»، «اباقاخان»، «ابراهيم بن سيار نظام»، «ابليس (در قرآن)»، «ابن تيميه»، «ابن حجر»، «ابن راوندي»، «ابن فورك»، «ابن مقفع»، «ابوسعيد گورگان»، «احمديليان».

5. دایرة المعارف تشيع:

- «آبش خاتون»، «ابراهيم بن عبدالله المحض»، «ابن ابي الحديد»، «ابن اسحاق»، «ابوالاسود دؤلي»، «ابوذر غفاري»، «ابوطالب بن عبدالمطلب»، «ابوموسي اشعري»، «احمد بن حنبل»، «امام علي بن ابي طالب اميرالمؤمنين»، «امام حسن مجتبي (ع)»، «امام حسين (ع)»، «امام محمد باقر (ع)»، «امام صادق (ع)»، «امام رضا (ع)»، «امام جواد (ع)»، «امام هادي (ع)»، «امام حسن عسكري (ع)»، «امام زمان (عج)».

6. دانشنامه جهان اسلام:

- «باب»، «باباافضل»، «باباقرج تبريزي»، «بابك خرمدين»، «بابل»، «بابلسر»، «بادوسپانيان»، «باران از نظر دانشمندان اسلام»، «باروسما»، «باروسي»، «بازيدي»، «باطرقاني»، «باعربايا»، «باعيناثا»، «باغنوي»، «باقلاني»، «باكاليچار»، «باكوئي»، «ابوعبدالله محمد»، «بالكان [ترجمه از انگليسي]»، «بانت سعادت»، «باندومه [ترجمه از انگليسي]»، «بانويه، ابوجعفر»، «بايزيد بسطامي»، «بحكم [ترجمه از انگليسي]»، «بدعيه»، «برائت (2) [ترجمه از انگليسي]»، «بركوكيه»، «برهان [ترجمه از فرانسه]»، «برهان»، «برهان تناهي ابعاد»، «بزيغيه (بزيغيه)»، «يسني» [ترجمه از انگليسي]»، «بشربن معتمر»، «بقليه يا نقليه»، «بقيه الله»، «بكريه»، «بكيربن ماهان»، «بلو [ترجمه از انگليسي]»، «بوسفر، تنگه [ترجمه از انگليسي]»، «بيان [ترجمه از انگليسي]»، «بيهييه»، «حضالت [ترجمه از انگليسي]»، «سيكسيك ايزه [ترجمه از انگليسي]»

(ج) مقالات ترجمه:

- «خوارزم قديم يك مملكت افسانه اي»، [انگليسي]، يغما، سال 8، ش 12 (اسفند 1334 ش)، ص 537-541.

- «نسخه خطي فارسي بلخي اصطخري»، نوشته هانس فون مزيك، راهنماي كتاب، سال 8، (زمستان 1344 ش)، ص 5-7.

- «كتيبه اورارتو به خط ميخي در ماکو»، نوشته گ.ر.ماير، راهنماي كتاب، سال 8، (زمستان 1344 ش)، ص 69-71.

- «فریتزولف»، هانس شدر، [آلمانی]، یغما، سال 28، (1354)، ص 129-135.

- «ایرانیان و عربها»، تئودور نولدکه، [آلمانی]، آینده، سال 7، (1360)، ص 911-913.

- «دیوانگان در آثار عطار»، هلموت ریتز، [آلمانی]، معارف، سال 4، ش 2 (مرداد-آبان 1366)، ص 129-150.

د. مقالات به زبانهای خارجی

منابع

آل داود، علی، «زریاب خوئی»، دایره المعارف کتابداری و اطلاع-رسانی، به کوشش عباس حری، تهران، 1381؛

آیدنلو، سجّاد، «زریاب خوئی در قلمرو شاهنامه-پژوهی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش 61، آذر 1381؛

اصفهانى، عبدالله، «عباس زریاب خوئی نیم قرن نسخه-شناسی، تألیف و تحقیق»، آیینۀ پژوهش، س 16، ش 6، اسفند 1384 (پیاپی: 96)؛

افشار، ایرج، «دکتر عباس زریاب خوئی»، نادره-کاران (سوکنامۀ ناموران فرهنگی و ادبی)، تهران، ؛

باستانی پاریزی، محمد-ابراهیم، نون جو و دوغ گو، تهران، 1367؛

تفضّلی، احمد، «بنیاد شاهنامه فردوسی»، دانشنامۀ جهان اسلام (ج 4)، تهران، 1377؛

تفضّلی، احمد، «مختصری از زندگانی استاد دکتر عباس زریاب»، یکی قطره باران، به کوشش ، احمد تفضّلی، تهران، 1370؛

حمیدیان، سعید، «شمّه-ای از شرح شوق»، نشر دانش، س 10، ش 4، خرداد و تیر 1369؛

خرّمشاهی، بهاء-الدین، «خورشید را به گل اندوده-ایم»، کلک، ش 58-59، دی و بهمن 1373؛

راستگو، محمد، «گلکشتی در آینه جام»، آینه پژوهش، س 1، ش 4، آذر و دی 1369؛

رضازاده لنگرودی، رضا، «فهرست آثار منتشر شده و آمادۀ انتشار استاد دکتر عباس زریاب خوئی» (نک: تفضّلی، یکی قطره باران)؛

رواقی، علی، «شب تاریک و بیم موج و...»، کلک، ش 20 و 21، آبان و آذر 1370؛

ریاحی، محمّدامین، «مردی رفت که نظیرش هرگز نخواهد آمد»، چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران، تهران، 1379؛

زریاب خوئی، «زندگانی من»، تحقیقات اسلامی (یادنامه دکتر عباس زریاب خوئی)، س10، ش1 و2، 1374؛

زریاب خوئی، «نگاهی تازه به مقدمه شاهنامه»، تن پهلوان و روان خردمند، به کوشش شاهرخ مسکوب، تهران، 1374؛

زرّین-کوب، عبدالحسین، «خامشی دریا»، حکایت همچنان باقی...، تهران، 1376؛

عظیمی، میلاد، «نگاهی به کارنامه دکتر عباس زریاب خویی: دولت پیر مغان باد که باقی سهل است...»، روزنامه شرق، ش84 و 88؛

کیوانی، مجدالدین، «مرگی و صد هزار مصیبت»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم (به یاد استاد دکتر عباس زریاب خوئی)، دوره جدید، س2، ش6 و 7 و 8، بهار 1374؛

One of the interesting articles of Dr. Abbas Zaryab Khoi is a short article called: "Nezami Ganjavi was not a Turk" and it refutes using classical Persian sources the wrong ethno-centric interpretation of the introduction of Layli o Majnun. The refutation was a response to an article by a magazine called "Azerbaijan" which was published by the official organs of the separatist Pischevari government.

The article was published in the journal Ayandeh:

Abbas Zaryab Khoi, Ayandeh Magazine, Esfand Maah (February-March), 1324 (1945), pages 780-781. (Iran)

For Ayandeh Magazine see: J. Rypka, *Hist. Iran. Lit.*, pp. 382, 402 (where he mentions talented people like Badi' ol Zaman Foruzanfar, R. Shafaq, Minuvi and others working and writing for the journal)

It was reprinted again the magazine: *Golgasht o Katibeh*, Tir Maah (June – July), 1386 , pp 108-10. (Iran)

Ironically, pan-Turkist sites also scanned the article as well:

<http://www.11007.baybak.com/2432.azr>

http://web.archive.org/web/*/http://www.azadtribun.net/x18484.htm

And here is the original article which a translation is provided below:

جدول

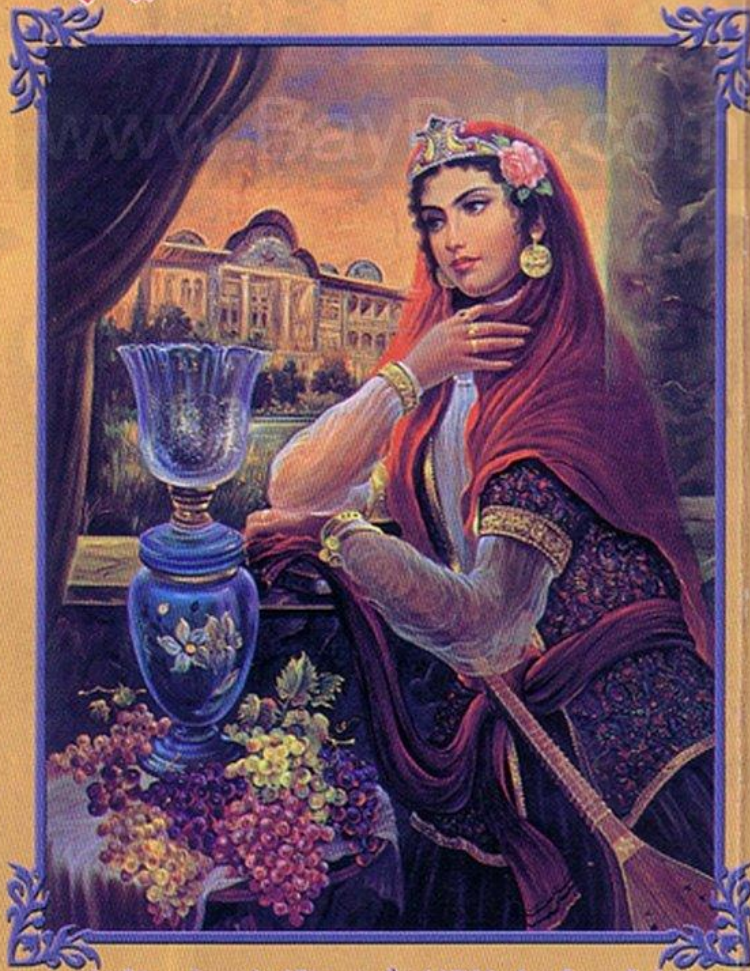
گل گشت و کتیه ۱۷۴

گذری و نظری : احمد سمیعی

یاد نامه : عباس زریاب خویی

زن در شاهنامه

جدول انتشارات کتیه



ماهنامه - تیر ماه ۱۳۸۶ فورشنیدی - ۱۹۶ صفحه بها، ۶۰۰ تومان

جدول

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

حسن بنی جمالی

سر دبیر و مدیر اجرایی:

حسین علی فسقوری سبزواری

تیر ماه ۱۳۸۶

پی در پی ۲۵۰

ناشر: انتشارات کتیبه

شناسنامه در سیستم بین المللی

۹۶۴-۹۱۱۸۵

ماهنامه

علمی - سرگرمی - دینی - فرهنگی
نشانی: خیابان شریعتی، قطعه ۵،
کوچه شهید حسینی (نجم)،
پنجمین پلاک ۱۴
تلفن: ۲۲۲۳۷۷۳۳ - ۲۲۲۳۷۷۰

نشانی صندوق پستی:

۴۳۴۸-۱۹۳۹۵

حروف نگاری و طراحی: آتیه کتیبه

لیتوگرافی: نقره آبی

چاپ: چاپخانه خواجه

خیابان فردوسی، کوچه خندان

مهلت ارسال پاسخ های این شماره

تا بیستم مردادماه ۸۶

تیر ماه ۱۳۸۶، ۱۹۶ صفحه - بها ۶۰۰ تومان

ج د و

همکاران

محسن بهرامی بالائی

زهره سعدی پور

هادی فسقوری

محسن یزدی

محمود کیمیایی

احمد عطفی

مریم محقق

آرزو صادقی

مونا موسویان

علی سبزواری

ارش کنعانی

محمدرضا معززی

امیر سخپور ششگلانی

رجب علی بابامیری

کریم هویدایی

محمد علی جهان دوست

امور مالی و

شهرستانها:

شکرا لله روح پور

صفحه آرا:

فاطمه فسقوری

ویژه نامه بهار ۱۳۸۶

کتیبه

در ۱۹۶ صفحه

با شعرهای بهاری، مطالب فرهنگی

مطالب تاریخی

و جدول های متنوع منتشر شد

ویژه نامه بهار

جدول کتیبه

انتشارات کتیبه

تلفن: ۲۲۲۳۷۷۳۳-۲۲۲۱۲۷۷۰

می‌خواهیم مستقل شویم و اینها، در پشت پرده این را نمی‌دیدم. در پشت پرده یک نوع الحاق به شوروی می‌دیدم، چون پایه‌اش هم از اول گذاشته شده بود، آن قسمت ماورای ارس را آذربایجان شمالی نام داده بودند تا با آذربایجان جنوبی یکی بشود.»

چنین بود که اواخر تابستان ۱۳۲۴ وقتی با فروش میراث مختصر پدری زندگی خانواده را تا حدودی سامان بخشید، از درآمد ناچیز تدریس پیمانی هم چشم پوشید و حکم تبعیدی را که فرقه چی‌ها برایش صادر کرده بودند مغتنم شمرد و زادگاهش را به قصد تهران ترک کرد.

آمدن زریاب به تهران، همزمان با روزهایی بود که «ریاحی» دانشجوی سال اول دانشکده‌ی ادبیات بود. او که از سال ۱۳۲۱ برای گذراندن دوره‌ی دوم دبیرستان در تهران می‌زیست، تنها چند ماه تابستان را که به زادگاهش می‌رفت با زریاب معاشر و مصاحب می‌شد، ولی با آمدن زریاب به تهران: «شریک غم‌ها و رنج‌ها شدیم...» و تلخ‌ترین شبی را که با هم گذراندند، غروب غمبار ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ می‌داند که زریاب با چشمان اشکبار در حالی که روزنامه‌ی اطلاعات را در دست داشت به اتاق دانشجویی او می‌رود و با آگاهی از خبر تسلیم شدن لشکر تبریز که با حروف درشت در صفحه‌ی اول روزنامه چاپ شده بود، شب را در رنجی مشترک به صبح می‌رسانند.

«ایرج افشار» بازگفت یادمانه‌ایش از زریاب را از نخستین روزی آغاز کرده که برای نخستین بار با نام وی در روزنامه‌ی «داریا» به مدیریت «حسن ارسنجانی» آشنا شده و می‌نویسد:

«نخستین بار که نام عباس زریاب را دیدم پای مقاله‌ای بود در روزنامه‌ی سیاسی و بسیار مشهور داریا...مقاله‌ی زریاب درباره‌ی این مطلب بود که «نظامی گنجوی ترک نبوده است» و با لمأل جوابی بود به داعیه داران چنان ادعا و مدعیان پان ترک‌یستی. مقاله‌اش جنبه‌ی روزنامه‌نویسی نداشت و به قلم روزنامه نگارانه نبود. نوشته‌ای بود پژوهشی و علمی، با آوردن اشعاری از سراینده‌ی خمه استدلال کرده بود گوینده‌ی چنین ابیاتی نمی‌تواند ترک بوده باشد، ناچار آنها که ادعای ترک بودن او را دارند سخن درستی نمی‌گویند.

زریاب این مقاله را موقعی نوشت که دار و دسته‌ی پیشه‌وری در آذربایجان غوغا در انداخته و خودسرانه راه حکومت کردن پیش گرفته بودند و این گونه ادعاها طبعاً جراید چپ نویس و جوانان طرفدار آن حرکات را خوش آیند نبود. زریاب برای دور بودن از این گونه مدعاها از آذربایجان به تهران پناه آورده بود. اما روحیه‌ی حقیقت جو و علمی او را آرام نگذارد که چنان مطلب واهی را ببیند و آرام بنشیند...پدر من، که در آن جریان از مدعیات سیاسی فرقه‌ی دموکرات نگران بود و همواره در

مجله آینده به جوانب مسئله وحدت ملی توجه داشت، آن مقاله را پسندید و به من گفت در مجله چاپ شود. مقاله زریاب کوتاه شد و زبده اش در مجله آینده (سال سوم شماره آخر) به چاپ رسید. من مفتخرم به این که نخستین مقاله به قلم زریاب را برای آینده غلط گیری مطبعی کردم و یکی از اولین ترشحات قلمی و فکری او را به چاپ رسانیدم... «۳»

این مقاله، در همان روزهایی نوشته شد که زریاب از چنگ همکاران غلام یحیی و دیگر مزدوران فرستاده شده از باکو به تهران گریخته بود. بلشویک هایی که به فرمان «باقراف» از قفقاز به آذربایجان سرازیر شده بودند، با عنوان دروغین «فداییان فرقه دموکرات آذربایجان» و با حمایت قزاق های روسی مقدمات جداسازی آذربایجان و پیوستن این سرزمین به «اران» قفقاز را تدارک می دیدند. خلاصه ی مقاله که در صفحات (۸۱-۷۸۰) شماره ۴۰ مجله آینده (اسفندماه ۱۳۲۴) چاپ شد چنین است:

«نویسنده روزنامه آذربایجان از شعر: ترکی صفت وفای مانیت - ترکانه سخن سزای ما نیست - می خواهد استدلال کند که نظامی می خواسته است شعر ترکی بگوید و شروانشاه مانع گردیده است و پیغام داده است که: «ترکی صفت وفای ما نیست... الخ» و «مارا سخن بلند باید... الخ»

ولی نویسنده اشتباه کرده است، چه، اگر مقصود از «ترکی» زبان ترکی بود، ربطی به صفت وفای شروانشاه نداشت تا در نامه ای که به نظامی نوشته است بگوید: «ترکی صفت وفای ما نیست»، بلکه مقصود از «ترکی» معنی مصدری است، یعنی: ترک گری و ترک بودن، و این تعبیر در ادبیات فارسی سابقه زیادی دارد. چنان که می گفتند: «ترکی تمام شد» یعنی نوبت هرج و مرج گذشت، و ترکی گری به معنی بی رحمی و قساوت و بی ادبی و خشونت آمده است. چنان که سنایی فرماید:

می بیند آن سفیهانی که ترکی کرده اند

همچو چشم تنگ ترکان، گورایشان تنگ باد

و در زبان فرانسه هم «تورکری» به معنی زمختی و شدت استعمال شده است. پس معنی مصرع اول چنین است که: ترکی، یعنی ترک گری و بی وفایی صفت وفای ما نیست، چنان که در بعضی نسخ هم «ترکی صفتی، وفای ما نیست» ضبط شده است و مرحوم وحید دستگردی در کتاب لیلی و مجنون نظامی که به تصحیح ایشان طبع شده است، در زیر این بیت همین معنی را می کنند و آن را اشاره و تلمیحی به قصه سلطان محمود غزنوی که نسبت به فردوسی بی وفایی کرده است می دانند. و چنان که معلوم است، ترکان در آن زمان

به بی وفایی و عهد شکنی معروف بوده‌اند.

و نظیر این معنی در اشعار شعرای بزرگ فراوان است. چنان که اسدی گوید:

« وفا ناید از ترک هرگز پدید از ایرانیان جزوفاکس ندید
و سنایی گوید: ما خود ز تو این چشم نداریم. ازیراک - ترکی تو و
هرگز نبود ترک وفادار - و کسانی که مایل به تفصیل باشند به کتاب
امثال و حکم دانشمند معظم آقای دهخدا، زیر مثل «اترک التروک
ولوکان اباک» مراجعه کنند. و مصرع دوم بیت: «ترکانه سخن سزای ما
نیست» معنی اش این است که: سخن پست و رکیک سزای ما نیست.
زیرا در آن عهد ترکان به بد دهنی معروف بودند و مؤید این ادعا، بیت
بعدی است که می‌گوید: «آن کز نسب بلند زاید - او را سخن بلند باید»
چنان که می‌بینیم، ترکانه سخن را در مقابل سخن بلند قرار داده
است که معنی آن سخن پست و رکیک است و تعبیر «ترکانه سخن»
هرگز به معنی «ترکی سخن گفتن» نمی‌باشد. عباس زریاب «۵۵»
زریاب نخستین سال اقامت در تهران را به سختی گذراند، اما با
روحیه‌ای مقاوم و خلق و خوی جذاب و مردمداری که داشت خیلی زود
دوستان و یارانی موافق یافت. سال ۱۳۲۵ هنگامی که مرحوم سید محمد
صادق طباطبایی بر آن شد تا کتابخانه‌ی معتبر و پر محتوای موروثی خود
را که از دوران پدرش گردآوری شده بود به مجلس شورای ملی هدیه کند،
به سفارش مرحوم شریعت سنگلجی او را به نمایندگی خود برای
فهرست برداری و تحویل معرفی کرد. به گفته‌ی استاد باستانی
پاریزی: «وقتی سید کتابخانه را به مجلس تقدیم کرد، زریاب را هم روی
کتابخانه و در واقع در جزو کتابها و قفسه‌ها تحویل مجلس داد!».
زریاب، به کتابخانه‌ی مجلس رفت و در جریان تنظیم فهرست‌ها با
دکتر تقی تفضلی و کارکنان و کتابداران آشنا شد و به پیشنهاد دکتر
تفضلی به عنوان کتابدار روز مرد در کتابخانه ماندگار شد. همزمان نیز در
دانشکده معقول و منقول (الهیات) دانشگاه تهران به ادامه‌ی تحصیل
پرداخت.

سال ۱۳۲۶ مرحوم سید حسن تقی‌زاده که به نمایندگی مجلس
شورای ملی انتخاب شده بود، از اروپا به تهران بازگشت. او که از
علاقه‌مندان کتاب و کتابخانه بود و کتابخانه‌ی مجلس را در دوره‌های
پیشین نمایندگی‌اش به یاری دیگر نمایندگان مجلس از جمله زنده یادان
دکتر مصدق، ارباب کیخسرو شاهرخ، احتشام السلطنه و... باگذراندن
مصوبه‌ای از محل اعتبار جرایم تأخیر حضور و غیبت نمایندگان در
جلسات بنیاد گذاشته بود، نخستین روزی که پس از ۲۰ سال محرومیت از
نمایندگی به مجلس رفت، باز دید از کتابخانه را فراموش نکرد و پس از

Transcription of the article in Persian:

نویسنده روزنامه آذربایجان از شعر: ترکی صفت وفای ما نیست- ترکانه سخن سزای ما نیست- می خواهد استدلال کند که نظامی می خواسته است شعر ترکی بگوید و شروانشاه مانع گردیده است و پیغام داده است که «ترکی صفت وفای ما نیست...الخ» و «او را سخن بلند باید...الخ»

ولی نویسنده اشتباه کرده است، چه، اگر مقصود از «ترکی» زبان ترکی بود، ربطی به صفت وفای شروانشاه نداشت تا در نامه ای که به نظامی نوشته است بگوید: «ترکی صفت وفای ما نیست»، بلکه مقصود از «ترکی» معنی مصدری است، یعنی ترک گری و ترک بودن، و این تعبیر در ادبیات فارسی سابقه زیادی دارد. چنان که می گفتند: «ترکی تمام شد» یعنی نوبت هرج و مرج گذشت، و ترک گری به معنی پی رحمی و قساوت و بی ادبی و خشونت آمده است. چنان که سنایی می فرماید: می نبیند آن سفیهانی که ترکی کرده اند همچو چشم تنگ ترکان، گور ایشان تنگ باد

و در زبان فرانسه هم «تورکری» به معنی زمختی و شدت استعمال شده است. پس معنی مصرع اول چنین است که: ترکی، یعنی ترک گری و بی وفایی صفت وفای ما نیست، چنان که در بعضی نسخ هم «ترکی صفتی، وفای ما نیست» ضبط شده است و مرحوم وحید دستگردی در کتاب لیلی و مجنون نظامی نظامی که به تصحیح ایشان طبع شده است، در زیر این بیت همین معنی را می کنند و آن را اشاره و تلمیحی به قصه سلطان محمود غزنوی که نسبت به فردوسی بی وفایی کرده است می دانند. و چنان که معلوم است، ترکان در آن زمان به بی وفایی و عهد شکنی معروف بوده اند.

و نظیر این معنی در اشعار شعرای بزرگ فراوان است. چنان که اسدی گوید:

وفا ناید از ترک هرگز پدید
از ایرانیان جز وفا کس ندید

و سنایی گوید: ما خود ز تو این چشم نداریم. ازیراک- ترکی تو و هرگز نبود ترک وفادار- و کسانی که مایل به تفصیل باشند به کتاب امثال و حکم دانشمند معظم آقای دهخدا، زیر مثل «اترک التروک و لوکان اباک» مراجعه کنند. و مصرع دوم بیت: «ترکانه سخن سزای ما نیست» معنی اش این است که: سخن پست و رکیک سزای ما نیست. زیرا در آن عهد ترکان به بددهنی معروف بودند و موید این ادعا، بیت بعدی است که می گوید: «آن کز نسب بلند زاید- او را سخن بلند باید» چنان که می بینیم، ترکانه سخن را در مقابل سخن بلند قرار داده است که معنی آن سخن پست و رکیک است و تعبیر «ترکانه سخن» هرگز به معنی «ترکی سخن گفتن» نمی باشد. (عباس زریاب خوئی)

In order to translate the above, we have kept the main Persian terms and have provided explanation of these terms based on the Dehkhoda dictionary and the Persian language.

So we provided both a translation with an explanation and a translation for English usage:

Translation of the Persian article in blue font, the Persian terms provided in the parenthesis are in red, verses and key Persian terms are put in the quotes and additional explanatory notes in brackets in red:

The writer of the newspaper named “Azerbaijan” has misinterpreted the lines: “Torki Sefat Vafaayeh Maa Nist” – “Torkaaneh Sokhan Sezaayeh Maa nist”. The writer of that article wants to argue that that Nizami wanted to write in Turkish, but the Shirvanshah forbid him and his message said instead: “Torki Sefat

Vafaayeh Maa Nist” (Our fidelity/faithfulness is not of Turkish characteristics) – “Torkaaneh Sokhan Sezaayeh Maa nist” (Turkish-mannered/ Turkish-like Discourse is not befitting for us- more precisely: Turkish-mannered/Turkish like Discourse/Torkaaneh Sokhan is not what we deserve) - “aan ke ze nasab Boland zaayad (He who is born of high lineage) – “oo raa sokhan boland baayad” (He deserves a high and sophisticated(“Boland” as opposite to “Past” where “Past” means vulgar discourse) discourse).

But the writer of that newspaper has made an error. Because, if we assume from the word “Torki”(Turkish), the meaning that is to be interpreted is “language”, then it has nothing to do with sefat-e Vafaaye (faithful characteristic) of Shirvanshah, so that the King would write in his letter to Nizami: “Torki Sefat-e Vafaayeh Maa nist”(Our fidelity/faithfulness is not of Turkish characteristics) . The meaning from “Torki” in this line is an infinitive [verb found from noun] like Torki-Gari (To act Turkish / To do things in the manner of a Turk) and Tork Boodan (to act Turkish), and this expression is an old tradition in Persian literature. For example “Torki Tamaam Shod”(Torki has finished/acting Turkish has finished) which means that “harj o marj” (confusion, wildness and unruliness) has finished and “Torki-Gari” (To do Turkish stuff) is equivalent to cruelty, harshness and this meaning is used by Sanai:

“Mi-Nabinid aan Safihaani keh Torki Kardeh-and
Hamcho Chesm Torkaan, Gur-i eeshan tang o taar”

(Do you see those unwise who Torki”[Torki used as an infinitive/verb]
May their grave be tight and dark like the eyes of Turks)

In French too, the term “turqueri” has been used often to denote rude and unmannered behavior.

[Note for this French term:

See Karlsson, Ingmar, (“The Turk as a Threat and Europe’s “Other”),International Issues & Slovak Foreign Policy Affairs (01/2006)

http://www.nurolpe.eu/stambul_pics/The%20Turk%20as%20a%20Threat.pdf

From page 2 of the above article:”The French called rude behaviour, cruelty and greed turquerie...”]

Thus the first part of this couplet means this: “Torki”(to act Turkish) which is an infinitive, “Torki-Gari” (To act Turkish / To do things in the manner of a Turk) and unfaithfulness/infidelity (Persian: bi-vafaai) is not the characteristic of our faithfulness/fidelity. And in some of the manuscripts it has come down as “Torki Sefati, vafaayeh maa nist”(Acting with Turkish characteristics, is not the characteristic of our fidelity) and Vahid Dastgerdi, may God bless him, in his corrected edition of Lili o Majnoon, brings forth this interpretation and points to the story of Mahmud Ghazna who was unfaithful to Ferdowsi. And what is clear is that at that time, Turks were known for unfaithfulness, infidelity and covenant-breaking.

And such a phrase is found in the poetry of many great poets. For example Asadi Tusi [born in Khorasan but then served in the courts of local dynasties in Arran and Azerbaijan] states:

“vafaa naayad az tork hargez padi”
(Faithfulness will never appear amongst Turks)

“az Iranian joz vafaa kas nadid”
(And from Iranians, there is nothing but faithfulness)

And Sanai [a Poet who influenced Nezami] states:

“maa khod ze to in cheshm nadaarim aziraak”
(We ourselves do not expect anything from you because)

Torki to o hargez nabood tork vafaadaar
(You are a Turk and a Turk is never faithful)

And those that want to see more expressions like these can look at the book of “sayings and wise quotes” by the great scholar Dehkhoda under [the expression] “Atrak al-Torook wa law Kaana Abuk” (Forget Turkish even if your forefathers were Turkish).

And the second part of the couplet: “Torkaaneh Sokhan sezaayeh maa nist” (Turkish-mannered/Turkish-like discourse is not befitting for us) means that unmannered speech and vulgarity is not befitting/deserving for us, because at that time, Turks were known for vulgarity. The proof of this is given the next verse:

“An kaz nasab boland zaayad” (That who is born from a high birth and lineage),
“oo raa Sokhan boland baayad” (He deserves a high mannered discourse).

Thus as we see, he has compared “Torkaaneh-Sokhan” (Turkish-like/Turkish-mannered discourse/ speech/talk) to high/mannered discourse/speech and thus “Torkaaneh-Sokhan” (Turkish mannered/Turkish like/Turkish behaved discourse) means unmannered and vulgar speech, and the interpretation of “Torkaaneh Sokhan” never means to speak/write in the Turkish language.

A quick additional note by the translator:

Cross-referencing with Khqani who also uses “Torkaaneh Khordan” (To eat the in Turkish manner),

آب و نان از در بیگانه مخور
نان ترکان مخور و بر سرخوان
با ادب نان خور و ترکانه مخور
(خاقانی)

Aashnaaye del-i bigaaneh masho
Aaab o Naan az dar bigaaneh makhor
Naan Torkaan Makhor o bar sar Khwaan
Baa adab naan Khwor o Torkaaneh Makhor

*Do not be friendly to that stranger
Do not drink the water and eat the bread of that stranger
Do not eat the bread of the Turks (Torkaan) and at the food table
Eat with manners(adab) and do not eat Torkaneh (the way Turks
eats / Turkish mannered eating)*

The word “Torkaaneh” in Dehkhoda dictionary under examples from Sanai, Khaqani and Nezami also means “Rude behavior, and acting very swift and quick”.

The most important commentator on Nezami (the one where most of the illusions and imagery of Nezami is understood through today) writes is Vahid Datgerdi who writes:

معنی بیت اینست که وفای ما چون ترکان و عهد ما چون سلطان محمود ترک نیست
که شکسته شود پس آنگونه سخن که سزای پادشاهان ترکست برای ما ناسزاوار است.

Translation:

The meaning of these verses is that our fidelity is not like the Turks and our faithfulness is not like that of Sultan Mahmud the Turk. Our fidelity and commitment will not be broken, so words that are befitting for Turkish kings is not befitting for us.

Dastgerdi, Wahid. “Kolliyaat Nezami Ganjavi”(the 5 collections of Nizami Ganjav), Tehran, Tak Publishers, Third Print, 1378 /(1999-2000). Volume 1:Pg 586

The issue has been discussed in more details here by Dr. Ali Doostzadeh:

<http://sites.google.com/site/rakhshesh/articles-related-to-iranian-history/politicization-of-the-background-of-nizami-ganjavi--attempted-de-iranization-of-a-historical-iranian-figure-by-the-ussr-nezami-ganji-iranian-civilization>

Under the section:

"Invalid Argument: Nizami wanted to write Turkish but he was forced to write in Persian!"

Note the above article needs some updating (besides spell check/grammatical check) because a new source by the Armenian historian Kerakus of Ganja (lived during the time of Nezami) has clearly stated that the population of Ganja right before the Mongol invasion was "majority Persians with a minority of Christians" . Also the word "Sezaa" has several meanings but in the usage "sezaayeh maa nist" means that "it is not what we deserve".

See:

Kirakos Gandzakats'i's History of the Armenians / translation from Classical Armenian by Robert Bedrosian. — New York: 1986. — page. 197.

He was born in Ganja (so he had first hand account on the population) and lived there. So he was not just a traveler but someone that knew the area well.

His work has been translated into English by Armenian scholar R. Bedrosian.

Here is the section we are concerned with: <http://rbedrosian.com/kg8.htm>

Note the analysis is right before the Mongol Invasion (1225-1230s,.. Nezami passed away in 1209).

"This city was densely populated with Iranians(Persian in the Grabar) and a small number of Christian'. It was extremely inimical to Christ and His worship, insulting and cursing the Cross and the Church, scorning and deriding the priests and attendants. Therefore, when their limit of sin had filled up, the protest against their wickedness rose to the Lord. Earlier a sign of their [impending] destruction appeared, just as had happened above Jerusalem, before its destruction. For suddenly the ground tore asunder and black water gushed forth. An extremely large poplar tree (which they call chandari) which was close to the city was observed to turn around. At this apparition [g235] the entire city trembled. But then they saw that the tree was positioned as before. This happened two or three times; thereafter the tree fell over and stood no more. Then the wise men [of Gandzak] commenced examining the sign to learn what it meant. And when they learned that it was a foreshadowing of the city's destruction, they stopped abusing the crosses [198] which they had placed under the threshold of the city's gates. They had put them there for abuse so that all passersby would step on them."(Chapter 21)

I already know the arguments of the people that want to deny this and they would want to translate "Iranian" to Muslim.

However, the same source also differentiates between Iranian, Turks and Arabs. So Iranian cannot be taken to mean "Muslim".

For example, he calls Iranians as Zoroastrians (before Islam):

"As soon as they experienced victory, they went against the Iranian lordship and killed the Iranian king Yazkert. Thus ended the kingdom of the Iranian Sasanians. In this period, half the sun darkened from the fall month of Areg [the eighth month of the moveable Armenian calendar] to the summer month of

K'aghots' [the fifth month of the calendar]. Then [the Muslims] released armies in three directions: one to Byzantium, under a certain Yaz and an advisor Yovel (who destroyed 70,000 Byzantines). The emir Uthman (Ot'man) and the general Mu'awiya (Mawie) were sent toward Iran. They defeated [g58] Mihrdat's 20,000 and Mushegh, the sparapet of Armenia with his brigades, and they ruled the entire territory of Armenia, Iran and Syria, Egypt, Media and Parthia. They began to propagate their faith, but were not accepted."(Kirakos Gandzakats'i's History of the Armenians / translation from Classical Armenian by Robert Bedrosian. — New York: 1986.)

The Arabs throughout this work are called Tachik (which the Zoroastrians also used for the term Arab).

"During the destruction of 20,000 people in the city of Dwin by the Ishmaelites, the holy altar and basin were covered with the blood of those cut down, while [g60] more than 35,000 others were taken into slavery. The patriarch gathered the bones of the slain into the same chapel. He constructed the place of Saint Gregory['s imprisonment], Virap, and likewise built [the church of] Saint Gregory, which astonished those who saw it. This place was later ruined by the Tachiks."(Kirakos Gandzakats'i's History of the Armenians / translation from Classical Armenian by Robert Bedrosian. — New York: 1986.)

" The Iranians (Persians in the original Armenian Grabar) residing there aided him and he captured [189] the city killing many people and forcing many others to abandon Christianity and accept the deceptive and fanatical teaching of the Tachiks. "

(Kirakos Gandzakats'i's History of the Armenians / translation from Classical Armenian by Robert Bedrosian. — New York: 1986.)

When Kirakos means Turks, he uses the "Armenian" word "T'urk" .

[<http://rbedrosian.com/kg8.htm>]

"He then assembled his countless troops from among the Iranians, Tachiks and Turks, and came to Armenia."

[grabar edition, p. 224; English trans. p. 187](Kirakos Gandzakats'i's History of the Armenians / translation from Classical Armenian by Robert Bedrosian. — New York: 1986.)

"The king who sat in Baghdad was not called sultan or melik as the Turkish, Iranian or Kurdish autocrats customarily are, but caliph, that is, a descendant of Mahmet"

(Kirakos Gandzakats'i's History of the Armenians / translation from Classical Armenian by Robert Bedrosian. — New York: 1986.)

Find on Turk. There are five references

cite as grabar edition, p. 364, p. 376, p. 378, p. 380, p. 388.

English trans. p. 301, p. 313, p. 314, p. 316, p. 324.}}

Here is an email from the translator (Dr. Bedrosian)

(this is the classical Armenian critical edition):

Kirakos Gandzakets'i, Patmut'iwn Hayots' [Kirakos of Gandzak, History of Armenia], edited by K.A. Melik'-Ohanjanyan, (Erevan, 1961), p. 235.

I made the English translation from the above critical edition. That

translation, which is online,

was also published in book format. The citation for the same passage

is as follows:

Kirakos Gandzakets'i's History of the Armenians, translated by Robert Bedrosian (New York, 1986), p. 197.

Here is a transliteration of the Grabar text:

Ays k'aghak's bazmambox lts'eal parsko'k', ayl sakaw ew k'ristone'iwk'...

In the early translations I made (1971-about 1980) I used "Iranian"

and "Iran" in place of the grabar "Persian" and "Persia." I no longer

do this. So, a literal translation of the above is:

"This city was densely populated with PERSIANS and a small number of Christians." Armenian consistently uses Persia/Persian in all the

historical texts.

Which the Nozhat al-Majales also provides another proof of this fact mentioned by the Armenian historian (of the time of Nizami from the same city of Ganja)

<http://sites.google.com/site/rakhshesh/articles-related-to-iranian-history>

<http://www.archive.org/details/PoliticizationOfTheBackgroundOfNizamiGanjaviAttemptedDe-iranizationOf>

<http://www.iranica.com/articles/nozhat-al-majales>